

● مدیریت و برنامه ریزی منابع انسانی

● اقتصاد در آموزش و پرورش

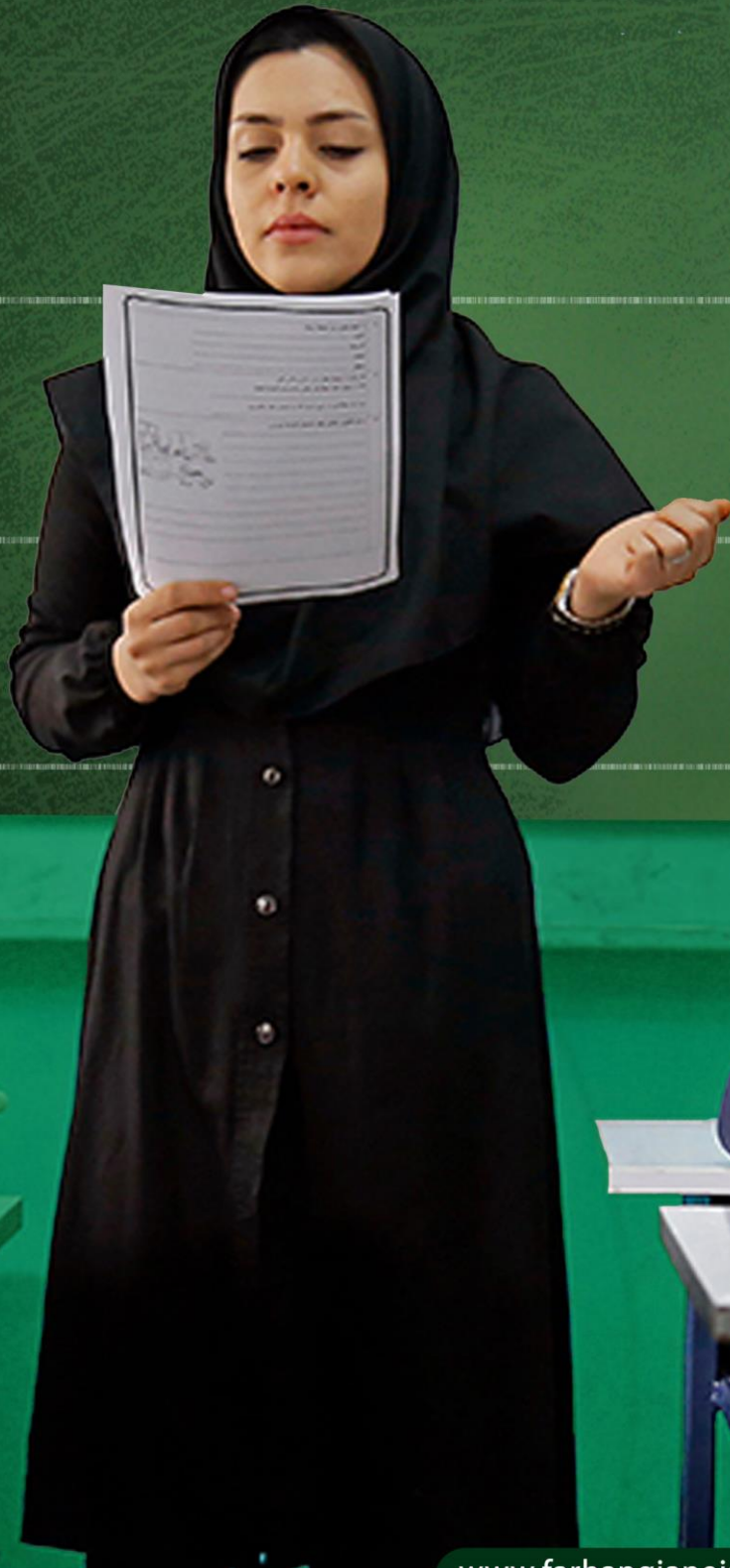
● عدالت در آموزش

آموزش

خبرنامه

جمعیت فرهنگیان جوان

شماره ششم | خرداد ماه ۱۴۰۱ | ۱۴ صفحه



مروری بر نکات رهبرانقلاب
درباره‌ی آموزش مهارت‌ها به دانش‌آموزان

زنگِ مهارت‌آموزی

رهبرانقلاب اسلامی در دیدار جمعی از معلمان (۱۴۰۱/۲/۲۱)، به مسئله‌ی علم نافع و مفید برای دانش‌آموزان اشاره کردند و تأکید کردند: «یک بخش از وقت به آموزش و مهارت‌ها صرف بشود.» ایشان خطاب به مسئولان آموزش و پرورش چند مورد از مهارت‌های موردنیاز دانش‌آموزان را بیان کردند که در این اطلاع‌نگاشت مرور می‌شود.



اهداف چه در سطح فردی و چه سازمانی فراهم آورد. عموم باور دارند که مدیریت منابع انسانی در سازمان ها با مفاهیم چون مدیریت پرسنلی، امور پرسنلی و ... هم معناست اما از نگاه تخصصی این چنین نیست. مدیریت منابع انسانی به مثابه ابزاری قادر است با بهبود و پشتیبانی از فعالیت های سازمانی سبب افزایش کیفیت و نیل به اهداف سازمانی گردد؛ این ابزار ها تحلیل و طراحی کار، برنامه ریزی منابع انسانی، جذب، گزینش، آموزش و توسعه، جبران خدمات، مدیریت عملکرد و ایجاد روابط مثبت کاری با کارکنان باشند.

برنامه ریزی: به معنی فرایندی دارای مراحل مشخص و بهم پیوسته برای تولید یک خروجی منسجم در قالب سیستمی هماهنگ از تصمیمات است. برنامه ریزی فکر کردن راجع به آینده یا کنترل آن نیست بلکه فرایندی است که می تواند در انجام این امور مورد استفاده قرار گیرد. همان گونه که بیش از این تبیین شده یکی از اجزا و ابزار های کاربردی در مدیریت منابع انسانی برنامه ریزی نیروی انسانی است که نظریه های نوین در عرصه برنامه ریزی نیروی انسانی نه تنها انسان را با همه ارزشهایش، سازمان را با همه ابعاد و عملکردش و بالاخره محیط سازمان را با همه دگرگونی ها و تحولاتش مورد توجه قرار داده و لزوم قابلیت پذیری ساختار انعطاف های درونی سازمانی را برای پاسخگویی به تغییر و تحول ضروری می داند، بلکه به جای رفتار انفعالی در جهت کنترل تغییرات محیط، ایجاد تغییر و نوآوری را به صورت فعال و تأثیرگذار بر محیط کند توصیه می کند.

به کارگیری برنامه ریزی نیروی انسانی به دلیل پیشبینی عواملی مانند فناوری، وضعیت فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، برنامه های راهبردی یا استراتژیک و دیگر برنامه های داخلی ضرورت می یابد. عمده ی دلایل اهمیت برنامه ریزی نیروی انسانی به شرح زیر است:

- برنامه ریزی نیروی انسانی به منظور تأمین نیازهای مهارتی
- برنامه ریزی نیروی انسانی و قوانین
- برنامه ریزی نیروی انسانی به منظور انطباق با تغییرات
- برنامه ریزی نیروی انسانی و دیگر فعالیتهای اداره امور کارکنان



مدیریت و برنامه ریزی منابع انسانی

امروزه، انسان ها به طور پیوسته با مسائل و رویدادهای گوناگون درگیرند لذا نیازمند آن هستند که به مجموعه ای از توانمندی ها و مهارت ها که تأمین کننده نیازهای علمی، فردی، اجتماعی و شغلی آنها است، مجهز شوند تا بتوانند با تغییرات ایجاد شده مواجه شوند. یکی از مهم ترین ارگان های مسئول ایجاد چنین توانمندی هایی در افراد جامعه، آموزش است که باید از طریق برنامه های درسی رشته های مختلف در جهت تأمین این نیازها گام بردارد. آموزش باید فراگیران را برای پاسخگویی به پیشرفت های اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی به سرعت در حال تغییر، آماده کند. برای ورود به بحث مورد نظر واژه شناسی عنوان ارائه شده برای دستیابی به درک مناسب از موضوع بسیار کمک کننده است. از این رو باید مفاهیم مدیریت و برنامه ریزی در منابع انسانی به دقت تبیین گردند تا عناصر تشکیل دهنده شفاف گردد زیرا برخلاف تصور تفاوت دیدگاه ها در حوزه های مختلف ناشی از تلقی متفاوت از عناصر جزئی، مفاهیم و واژگان کلیدی آن حوزه است. با عنایت به این که مفاهیم دارای تعاریف متعدد هستند، ادراک و انتخاب از بین این تعاریف و برداشت هاست که جهت گیری های بعدی را شکل می دهد.

مدیریت: به نقل از فالت (۱۹۹۴) مدیریت به معنای هنر انجام کار ها به وسیله دیگران یا فراگرد تبدیل اطلاعات به عمل است؛ این فراگرد تغییر و تبدیل را تصمیم گیری می نامیم (فولستر، ۱۹۶۷). مدیریت منابع انسانی یک حوزه تخصصی است که تلاش می کند برنامه ها، سیاست ها و فعالیت هایی را برای بالا بردن رضایت مندی از نیازها،


مراحل برنامه ریزی در مدیریت منابع انسانی شامل پیش بینی تقاضا، پیش بینی عرضه و انطباق عرضه و تقاضا می باشد.

درباره مدیریت و برنامه ریزی منابع انسانی مدل های متفاوتی وجود دارد، انتخاب هر کدام بر اساس جهت گیری

سیاست گذاران می تواند در کیفیت برنامه ریزی تاثیرگذار باشد؛ برخی از این مدل ها و ابعاد آن در جدول زیر تشریح شده است:

❖ برخی مدل ها و ابعاد برنامه ریزی نیروی انسانی

نام مدل	ابعاد مورد تاکید در مدل
بررسی تحلیلی نیازهای برنامه ریزی نیروی انسانی	تجزیه و تحلیل عوامل خارجی، توانایی بینی و نیاز آینده نیروی انسانی، پیش بررسی تحلیلی نیازهای برنامه ریزی نیروی انسانی نیازهای منابع انسانی، خط مشی مدیریت ها، مدیریت عملکرد
مدل برنامه ریزی نیروی انسانی	تجزیه و تحلیل، پیش بینی، برنامه ریزی، اجرا
مدل جامع برنامه ریزی نیروی انسانی	محیط خارجی (سیاست و فرهنگ و ...) و محیط داخلی (ساختار، فرایندها، استراتژی و ..)
مدل برنامه ریزی نیروی کار HHS	تحلیل عرضه، تحلیل تقاضا، تحلیل شکافت
مدل برنامه ریزی نیروی کار ایالت تگزاس	مسیر استراتژیک، تحلیل نیروی کار، اجرای برنامه نیروی کار، ارزیابی

با توجه به اینکه مدل های برنامه ریزی در حال رشد و تغییر هستند بحث پیرامون برنامه ریزی گسترده است لذا در نوشتار این شماره به بحث تعریف ها و مدل های آن بسنده می شود و بحث تکمیلی در ادامه مباحث این حوزه مورد لیل و بررسی قرار خواهد گرفت. 

منابع

۴. احمدی، ع.، و فاضلی کبریا، ح.، و فقیه، م. (۱۳۹۲). طراحی مدل مفهومی عمومی شاخص ها و مولفه های برنامه ریزی نیروی انسانی مبتنی بر شایستگی ها
۵. نیک ذات، ض (۱۳۷۵). بررسی وضعیت نیروی انسانی در بانک توسعه صادرات ایران ، پایان نامه کارشناسی ارشد
6. Roberts, G., (1997), Recruitment and Selection: A Competency Approach, CIPD Publishing.
7. MacDuffie, J. P., (1995), Human Resources Bundles and Manufacturing Performance: Organizational Logic and Flexible Production Systems in the World of Auto Industry, Industrial and Labor Relations Review

۱. پوررضا، ا (۱۳۹۲). مقدمه ای بر مدیریت منابع انسانی. بیمارستان. ۱۳۸۰
۲. ابراهیمی، ا. (۱۴۰۰). بررسی و نقد کتاب مدیریت منابع انسانی و امور کارکنان. پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی
۳. شادفر، ح.، و لیاقت دار، م.، و شریف، م. (۱۳۹۰). بررسی میزان انطباق برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه ریزی آموزشی با نیازهای دانشجویان. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی

نویسندگان: علی مهدوی فرد، امیرحسین باباجانی پور

برنامه ریزی آموزشی مورد نیاز اهداف ویژه اقتصادی مرتبط با سرمایه گذاری، منابع و مصارف سیستم‌های آموزشی و رشد اقتصادی را در برمی‌گیرد. اساساً از یک سو به تحلیل ارزش اقتصادی آموزش و از سوی دیگر به جنبه‌های اقتصادی سیستم‌های آموزشی می‌پردازد. همچنین به تاثیرات آموزشی برخی پدیده‌ها مانند ساختار شغلی نیروی کار، استخدام و روش‌های ارتقای مدیریت، مهاجرت داخلی و بین‌المللی نیروی کار، الگوهای تجارت بین‌الملل، توزیع درآمد افراد، میل به پس‌انداز درآمد جاری و از همه مهمتر دورنمای رشد اقتصادی توجه دارد. بنابراین، اقتصاد آموزش می‌تواند به صورت «بررسی چگونگی انتخاب انسان و جامعه، با یا بدون استفاده از پول، در به کارگیری منابع تولیدی کمیاب، مهارت‌ها، ایده‌ها، نهادها، در آموزش رسمی در یک دوره زمانی معین، و توزیع آنها در حال و آینده، در میان افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی تعریف شود.

مخارج آموزشی: مصرف یا سرمایه‌گذاری؟

طرفداران توسعه آموزش و پرورش به این نکته معتقدند که آموزش اثر و نقش بهره‌ورزایی دارد. یعنی ظرفیت‌های مولد افراد در نتیجه آموزش افزایش می‌یابد. این ظرفیت‌های مولد هم برای افراد و هم برای جامعه عواید بسیاری را به ارمغان می‌آورد که این خود توجیه‌کننده اختصاص منابع هنگفت به آموزش دارد. اگر آموزش و پرورش مصرفی باشد موجب پالایش ذوق و استعداد افراد می‌شود و تنها موجبات خرسندی آنها را فراهم می‌آورد. اگر فقط این رضایت را در زمان حال تولید کند و با گذشت زمان از بین برود، مصرفی است. در صورتی که آموزش و پرورش را مصرفی بدانیم باید در شرایط بحران اقتصادی مقدار آن کاهش پیدا کند. اگر آموزش و پرورش سرمایه‌گذاری محسوب شود منجر به افزایش و شکوفایی استعدادها می‌شود. اگر با افزایش مهارت موجبات افزایش درآمد افراد را فراهم آورد، سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. صاحب نظران حوزه آموزش و پرورش و اقتصاد دانان به این نتیجه رسیده‌اند که آموزش و پرورش به لحاظ سود و بهره‌ی اقتصادی، هم زود بهره است و هم دیر بهره؛ هم یک کالای مصرفی است و هم یک سرمایه‌گذاری. لذت و رضایتی که در حین تحصیل بدست می‌آوریم، زود بهره و از نظر اقتصادی مانند کالای مصرفی است. از طرفی دانش و مهارتی که از راه تحصیل کسب کرده‌ایم از بین نمی‌رود؛



اقتصاد در آموزش و پرورش

تعریف اقتصاد

اقتصاد یا اکونومی به انگلیسی (Economy) به یک نظام اقتصادی در یک یا چند منطقه جغرافیایی یا سیاسی خاص اطلاق می‌شود و در برگیرنده تولید، توزیع یا تجارت، مصرف کالاها و خدمات در آن منطقه یا کشور می‌باشد. یک اقتصاد مجموع کل ارزش معاملات میان فعالان اقتصادی نظیر افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و حتی ملت‌هاست. اقتصاد برآیند کلیه فرایندهایی است که فرهنگ، ارزش، آموزش، تکامل تکنولوژیکی، تاریخ، سازمان اجتماعی، ساختار سیاسی، سیستم‌های قانونی، جغرافیا و همین‌طور مواهب طبیعی را دربر می‌گیرد. این عوامل زمینه، محتوا و شرایطی را تعیین می‌کند که یک اقتصاد در آن عمل می‌کند. برخی فرهنگ‌ها اقتصادهای مولدتری را به وجود می‌آورند و لذا ارزش یا تولید ناخالص داخلی بیشتری را تولید می‌کنند. در واقع واژه اقتصاد در دنیای امروز معانی متعددی دارد که بیان‌کننده رویکردهای متفاوت در بیان محتوای اصلی اقتصاد است.

تعریف و مفهوم اقتصاد آموزشی

اقتصاد آموزش یکی از مهم‌ترین شاخه‌های علم اقتصاد است و تقریباً تمامی اصطلاحات، ضوابط و روش‌های تحقیق که در تحلیل پدیده‌های اقتصادی به کار می‌روند، به صورت مشابه در مطالعات وابسته به اقتصاد آموزش نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند (۱). اقتصاد آموزش شاخه مهمی از اقتصاد نظری است و می‌تواند به صورت‌های مختلفی تعریف شود. برای مثال اقتصاد آموزش، چگونگی تخصیص منابع به فعالیت‌ها و موسسات آموزشی، و نیز بررسی فواید و نتایج حاصل از آن به افراد و جامعه را مورد مطالعه قرار می‌دهد. این رشته علمی همچنین مطالعه اقتصاد منابع انسانی و

بار مالی است که می‌بایست در اقتصاد آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گیرد. استخدام نیروی انسانی در آموزش و پرورش و بستهای گوناگون آن در همه ولایات باید بدون تبعیض و بر معیار شایسته‌سالاری صورت گیرد تا این نهاد گسترده اجتماعی و آموزشی پیشرفت لازم را داشته باشد.

ج) تخصیص منابع (بودجه‌بندی)

تخصیص منابع، کار بسیار دشوار و حساسی است که می‌تواند منجر به موفقیت یا شکست پروژه و تعلیم و تربیت شود. بنابراین باید آن را به‌دقت و با رعایت اصول و برنامه ریزی صحیح انجام داد. اگر منابع محدود به‌درستی توزیع نشود، این احتمال وجود دارد که انجام تک‌تک وظایف تحت پروژه اصلی به تعویق بیفتد یا حتی به‌طور کامل مختل شود. تخصیص منابع، اختصاص دادن منابع موجود برای استفاده‌های گوناگون در نهاد آموزش و پرورش و بخشهای مختلف آن است.

در اقتصاد تعلیم و تربیت، تخصیص منابع به معنی توزیع منابع و امکانات موجود در موارد نیاز سازمان آموزشی است؛ از قبیل (تجهیزات، نیروی کار، سرمایه‌گذاری، تهیه فضای آموزشی و غیره)، هدف از این کار در مجموع تولید تخصصهای لازم در کشور است. در زمان تخصیص منابع در نهاد تعلیم و تربیت، چقدر باید دقیق بود؟ پاسخ این است که بسیار باید دقیق بود! تا چالشی در اجرای برنامه آموزشی در هیچ جای کشور به وجود نیاید.

❖ تخصیص منابع مستلزم رعایت موارد ذیل است:

۱. تهیه طرحی برای تخصیص منابع

طرح تخصیص منابع، باید شامل تمام اطلاعاتی باشد که در تقسیم درست بودجه سالانه لازم است. یعنی فهرستی از منابع (انسانی و غیرانسانی)، مدت زمانی که هر یک از منابع باید در آن مورد استفاده قرار گیرد و وظیفه یا وظایفی که از آن منابع، برای انجام کار خاصی استفاده می‌شود. حتما منابع انسانی و غیرانسانی را به‌صورت جداگانه لیست کرد.

بدین طریق که هر یک از افراد، مسئولیت‌ها، مهارت‌ها و مدت زمانی را که باید انجام وظیفه کند از آغاز تا پایان به صورت روشن، ذکر شود. همچنین هر یک از ابزار و مشخصات آن، هدف استفاده و مدت زمانی که باید مورد استفاده قرار گیرد و تاریخ برگرداندن آن به موجودی را نیز در طرح قید نماید. لازم است طرح تخصیص منابع را بارها

بلکه ذخیره می‌شود و زمانی که به کاری مشغول شدیم، نتیجه‌اش را می‌بینیم. از این منظر دیر بهره است و سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود.

کاربرد اقتصاد در تعلیم و تربیت

الف) جذب منابع مالی

یکی از مسائل مهم در تعلیم و تربیت جذب منابع و امکانات مادی است تا بتوان نظام آموزشی را در دو سطح عمومی (معارف) و تحصیلات عالی (دانشگاه و مؤسسات عالی) اعم از دولتی و خصوصی ادا کرده و پیشبرد. عهده دار این کار اقتصاد آموزش و پرورش است که کارشناسان اقتصادی تعلیم و تربیت به تأمین نیازهای مالی و اعتباری نظام آموزشی اقدام نمایند.

راه‌های جذب منابع مالی:

۱. بودجه اختصاصی دولت که در مجلس و کابینه هر سال تعیین می‌شود.
۲. کمک‌های خارجی به صورت مستقیم و غیر مستقیم به تعلیم و تربیت
۳. دریافت کمک‌های مردمی و نیکوکاران در عرصه تعلیم و تربیت
۴. دریافت امکانات از خانواده‌های شاگردان با عنوان‌های حق ثبت نام، فراهم ساختن تجهیزات آموزشی، تعمیر فضای آموزشی، اعطای جوایز به شاگردان، اردوی تفریحی و...

در نتیجه همه این موارد در نظام آموزشی کاری است که اقتصاد آموزش و پرورش می‌تواند در انجام آن نقش اساسی ایفا کند. چرا که موارد فوق همگی کار اقتصادی است و چنانچه وزیر، مدیران و کارشناسان آموزش و پرورش از علم اقتصاد بهره‌مند باشند، می‌توانند مشکلات مالی و اقتصادی تعلیم و تربیت را برطرف و نظام آموزشی را سال به سال ترقی دهند.

ب) استخدام نیروی انسانی

به کارگیری نیروی انسانی در آموزش و پرورش از مهم‌ترین اموری است که باید به صورت درست و براساس تخصص و کارشناسی لازم، انجام گیرد. تهداد تعلیم و تربیت و همچنین تحصیلات بیشترین در هر کشوری نیروی انسانی را به خود اختصاص می‌دهد. طبیعی است که گزینش و استخدام آنها در بستهای مختلف کار ساده‌ای نیست. این کار ابعاد گوناگون دارد و از جمله ابعاد آن جنبه اقتصادی و

شود و آن طرح‌های که به هر لحاظ در اولویت هستند، نخست به اجرای آنها بپردازد. این کار هم جنبه اقتصادی دارد و کارهای نیمه تمام نمی‌ماند و هم جنبه مدیریتی دارد و مدیران تعلیم و تربیت باید به صورت درست برنامه ریزی و اولویت گذاری نمایند.

در این امر، ابتدا باید معیارهای اولویت را معین کرد مانند اینکه. ممکن است در بحث منطقه‌ای، مناطق محروم در اولویت باشد یا استخدام معلمین حرفه‌ای و یا ایجاد و تعمیر فضای آموزشی و... در بعضی پروژه‌ها، زمان اهمیت دارد، این پروژه‌ها باید در اولویت قرار گیرند. بنابراین، در زمان تخصیص منابع برای چند پروژه، حتماً باید منابع بیشتری را به پروژه‌هایی اختصاص داد که از اولویت بالایی برخوردارند تا بتوان آنها را هر چه زودتر به اتمام رساند.

۶. تخصیص منابع برای وضعیت اضطراری و

حوادث غیر مترقبه

نهاد تعلیم و تربیت با گستردگی وسیعی که در سراسر کشور دارد و همچنین نیروی انسانی عظیمی که در حوزه آموزش و پرورش مشغول به کار هستند و دهها عوامل دیگر، ممکن است در طی سال دچار حوادث، چالش و در نتیجه ناگزیر از اعلام وضعیت اضطراری گردد. چرا که پیش آمدهای ناخواسته طبیعی و اجتماعی در جامعه یقیناً متوجه نهاد تعلیم و تربیت نیز است. مثلاً زلزله، سیل، بیماریهای واگیر و مانند آن دامنگیر آموزش و پرورش است. برای رفع چنین مشکلاتی نیازمند برنامه ریزی و پیش‌بینی‌های لازم است تا از سنگینی مشکل برای شاگردان و مسئولان آموزش و پرورش کاسته شود. یکی از راههای چاره اندیشی و حل مشکل تخصیص منابع بدین منظور است تا در زمان بروز این گونه حوادث از آن استفاده شود.

این کار در اقتصاد آموزش و پرورش مورد بررسی و تصویب قرار می‌گیرد. بنابراین، باید برای رویارویی و اداره کردن چنین شرایطی آمادگی کامل داشت و این همان جایی است که با عنوان مدیریت بحران یا تخصیص منابع در اقتصاد آموزش و پرورش و مدیریت آموزشی مطرح است.



منابع

۱. عبدالله زاده، محمود (۱۳۹۲). نظریه‌های اقتصاد سیاسی، انتشارات ثالث: تهران.
۲. نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۰). اقتصاد آموزش و جایگاه آن در نظام آموزشی عالی ایران، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در نظام آموزش عالی، شماره ۱۱، سال ۲۲: ۱۷۴-۲۱۶.

بررسی کند تا از بروز هرگونه ریسک در حین انجام وظیفه و اجرای فعالیت آموزشی جلوگیری به عمل آید.

۲. تعیین دامنه پروژه آموزشی

پروژه آموزشی ممکن است در چند روز، چند ماه یا چند سال انجام شود. ولی در هر حال، ابتدا باید دامنه و محدوده آن را تعیین کرد و سپس، به تخصیص منابع پرداخت. دامنه پروژه، نوع وظایف و میزان منابع مورد نیاز برای دستیابی به هدف پروژه را مشخص کند. بنابراین رسیدن به تصویری روشن در مورد دامنه پروژه، آموزشی نخستین گام در جهت تخصیص منابع درست است.

۳. شناسایی منابع مورد نیاز

پس از تعیین دامنه پروژه، می‌توان به درک معقولی از اهداف اصلی، وظایف، منابع، زمان بندیها، موارد قابل تحویل و غیره دست یافت. پس از دستیابی به اینکه چه منابعی برای انجام چه وظیفه‌ای نیاز است، باید نگاه دقیق‌تری به منابع موجود انداخت در تخصیص منابع دچار اشتباه نشد.

انواع منابع مورد استفاده در آموزش و پرورش

۱. منابع مالی: بودجه نقدی و اعتبارات دولتی و بانکی
 ۲. منابع انسانی: صاحب منصبان، مدیران، برنامه ریزان، معلمان، شاگردان و...
 ۳. منابع فیزیکی: ساختمان‌های اداری، مکاتب درسی، دانشگاهها و...
- منابع فناوری و تکنولوژیکی: ابزار آموزشی، نرم افزارها، خدمات آموزشی و...

۴. گزینش و انتصاب درست منابع انسانی

برای انجام این کار، به چارت سازمانی نیاز است. چارت سازمانی، نموداری است که در آن عنوان و مسئولیت‌های کارکنان نشان داده شده است. البته می‌توان جزئیات بیشتری را به این نمودار اضافه کرد. برای مثال جزئیاتی در مورد سابقه کاری هر یک از کارکنان را در آن اضافه کرد.

استفاده از چنین چارتهای در تخصیص منابع انسانی، بسیار ارزشمند است، زیرا با نگاه کردن به آن می‌توان فهمید که چه کسی برای به عهده گرفتن وظایف اصلی و فرعی پروژه آموزشی مناسب است.

۵. اولویت بندی طرح‌های آموزشی

اگر در یک سال یا چند ماه چندین طرح آموزشی و یا طرح‌های مرتبط با آن مانند توسعه فضای آموزشی در دست اقدام است و توان انجام همه آنها نیست، باید اولویت بندی

۴. ابراهیمی، یزدان(۱۳۷۵). خصوصی سازی نظام آموزش عالی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران.

۵. داودی، رسول، عطاری، عفت، کریمی، حسین(۱۳۹۶). اقتصاد آموزش و پرورش و نظریه‌های آن، دومین کنفرانس بین المللی انسجام مدیریت و اقتصاد در توسعه ایران، تهران.

۶. احسانی، محمد(۱۳۹۶). اقتصاد آموزش و پرورش، دانشگاه المصطفی - کابل.

۷. اصغرزاده، مجید(۱۳۹۶). اقتصاد آموزش و پرورش، پایگاه خبری تحلیلی معلمان ایران، صدای معلم.

نویسنده: محمد باقری دادوکلائی

خود. از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) ، عدالت، هر چیزی را در جای خود می‌نهد؛ در حالی که بخشش آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت، تدبیر عمومی مردم است؛ در حالی که بخشش، گروه خاصی را شامل است؛ پس عدالت شریف‌تر و برتر است. عدل همان انصاف، و احسان همان بخشش است. مباحث مربوط به عدالت دو بخش اصلی دارد؛ مباحث عام که فارغ از اینکه بحث در کدام قسم از اقسام عدالت باشد. برای مثال بحث و گفت و گو درباره مفهوم عدالت، خاستگاه یا منشا آن و... از مسائل مباحث عام عدالت است، اما هر آنچه که در زمینه‌ها و حوزه‌های خاصی از قبیل عدالت آموزشی، عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی و... مطرح شود در زمره بخش اصل دیگری از عدالت تحت عنوان مباحث خاص عدالت قرار می‌گیرد. بنابر آنچه در باب عدالت گفته شده در یک جمع بندی با بهره گیری از بیانات استاد شهید مطهری رحمه الله علیه مبحث عدالت را در چهار معنا تفسیر می‌کنیم:

- ◆ نخستین تعریف، آن است که عدالت را توازن و رعایت تناسب و تعادل اجتماعی معنا کنیم.
- ◆ معنای دوم عدل، تساوی و با همه به طور مساوی رفتار کردن است.
- ◆ معنا و تفسیر سوم از عدالت، رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذی حق حق او راست. ظلم عبارت است از پامال کردن حقوق و تجاوز و تصرف در حقوق دیگران. این معنا از عدالت مقابل ظلم قرار می‌گیرد. مفهوم عدل، آنگاه که مقابل ظلم قرار می‌گیرد، به معنای رعایت استحقاق است، نه به معنای توازن یا مساوات.
- ◆ معنای چهارم از عدالت عبارت است از رعایت استحقاقها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان وجود یا کمال وجود دارد.

در پایان، در تعریفی از عدالت: به اعطای حق ذی حق می‌پردازد و عدالت را با مقوله حق، گروه می‌زند و محور و جان مایه عدالت استیفای حقوق افراد قرار می‌دهد. پس در بحث بنیادین و پایه تحقق عدالت در میان افراد جامعه، حق می‌تواند دغدغه اصلی باشد.

ارکان عدالت

عدالت بر چهار پایه استوار است:

۱. فکری ژرفاندیش
۲. دانشی عمیق و به حقیقت رسیده



عدالت در آموزش

« أَقْسَطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ »

همیشه (با هر دوست و دشمنی) عدالت کنید که

خدا بسیار اهل عدل و داد را دوست می‌دارد.

عدالت یکی از موضوعات مهم و اساسی در سطح تمامی جوامع می‌باشد که همگی در پی تحقق و دستیابی به این مهم هستند؛ یکی از ویژگی‌های فطری انسان‌ها، حس عدالت خواهی و عدالت طلبی آنها می‌باشد. به طوری که اگر تاریخ را مورد بررسی قرار دهیم خواهیم دید که اغلب انقلاب‌ها و تحولات تاریخی با انگیزه ایجاد عدالت شکل گرفته‌اند. عدالت از جمله مفاهیم تاریخی فلسفه سیاسی است که از گذشته تا به امروز، جزء آرمان‌های بشر بوده است و همواره در همه جوامع دارای تقدس بوده و آرمانی است که همه جوامع در جهت تحقق آن به تکاپو مشغول‌اند. مفهوم عدالت، یکی از خواسته‌های جدایی ناپذیر بشریت است که بنیان حقوق بشر را تشکیل داده است.

عدالت در لغت

عدالت در زبان فارسی، به معنای داد کردن و انصاف داشتن است و در عرف عام، به معنی رعایت حقوق دیگران، در برابر ظلم و در زبان انگلیسی، به معنای تساوی، برابری، مانند و مثل است.

مفهوم عدالت

در واقع عدالت، مفهومی ارزشی است و فضیلتی اخلاقی و اجتماعی شمرده می‌شود. از این رو، مانند دیگر مفاهیم ارزشی نظیر صداقت، نیکوکاری، ایثار و فداکاری، موضوع محمولات اخلاقی، نظیر خوب بودن، درست بودن و بایسته بودن، قرار می‌گیرد. در دیدگاه اسلامی، جهان هستی بر اساس عدالت استوار است و هر چیز در جایگاه واقعی خود جای گرفته و وظیفه اصلی خویش را انجام می‌دهد. از نظر مفهومی، عدالت یعنی اعطا کردن حق هر صاحب حقی، یا قرار دادن هر چیزی در موضع و جایگاه

۳. نیک داوری کردن

۴. استوار بودن در شکیبایی

کسی که درست اندیشید، به ژرفای دانش رسید؛ و آن کسی که به حقیقت دانش رسید، از چشمه زلال شریعت نوشید؛ و کسی که شکیبا شد، در کارش زیاده روی نکرد و با نیک نامی در میان مردم زندگی خواهد کرد. به عبارت دیگر، عدل بر چهار پایه خرد، دانایی، اعتدال در قضاوت و مدارا استوار است.

عدالت به مثابه امر اجتماعی

از دیدگاه حضرت علی علیه السلام، عدالت در اجتماع تحقق می‌یابد. هیچ‌کس در تنهایی خود نمی‌تواند عادل باشد. عدالت، صفتی است که در جمع تحقق می‌یابد. پیوند مفهومی عدالت با اندیشه مدنی‌الطبع بودن انسان، برای درک معنای عدالت از دیدگاه حضرت علی (ع) دارای اهمیت است. نیاز انسان به اجتماع، تحقق بسیاری از صفات در جمع، و تأثیر اجتماع بر افراد، در بسیاری از فرموده‌های حضرت دیده می‌شود. از سوی دیگر، در کلام و منش مولا، عدالت مفهومی رابطه‌ای است؛ یعنی یک شخص در ارتباط با شخص دیگر می‌تواند ویژگی عدالت را بروز دهد. بیشتر سفارش‌های حضرت مبنی بر ملاحظه حقوق متقابل مردم، مؤید این مطلب است که در کنش متقابل میان افراد جامعه است که عدالت حضور و تداوم می‌یابد.

عدالت در دیدگاه جان رالز و مایکل والتزر

جان رالز، از جمله فیلسوفان عدالتی است که در پی ارائه اصول عام و مشترک برای عدالت است؛ در مقابل در مقابل مایکل والتزر، منکر اصول عام عدالت است و اصول و معیارهای عدالت را در هر حوزه و ساحت عدالت اجتماعی را متفاوت از دیگری می‌داند.

عدالت در نگاه مکاتب دیگر

در اندیشه لیبرالیستی غرب معاصر، عدالت ناظر به حفظ و صیانت از حقوق اساسی فردی است و صفت عادلانه و اومانستی، تقریباً معادل و مترادف هم بکار گرفته می‌شود. در نگرش کانتی نیز، عدالت در ارتباط با دیگران و در قالب انصاف معنا می‌یابد؛ ولی در آن نارسایی‌هایی مثل مبنای کثرت‌گرایانه و نسبیّت و توافقی بودن مطرح است. در نگرش سوسیالیستی نیز عدالت اجتماعی به معنای عدالت توزیعی و در توزیع محصولات، امکانات و فرآورده‌هاست که هر کدام مورد نقض و ابرام‌اند.

عدالت آموزشی

یکی از جنبه‌های عدالت، عدالت آموزشی است. در محیط‌های آموزشی زمانی عدالت تحقق می‌یابد که یادگیرندگان از طریق درونداها و فرآیندها در مدارس، بتوانند اهداف علمی، اعتقادی، اجتماعی و آموزشی را کسب کنند فراهم کردن فرصت‌های برابر و عادلانه آموزشی جزئی از عدالت آموزشی است و رسیدن به عدالت آموزشی برای تمام جوامعی که آموزش و پرورش را یک جزء مهم در زندگی افراد میدانند امری اصلی به شمار می‌رود. بعضی عدالت آموزشی را به دو قسمت عدالت افقی و عدالت عمودی تقسیم کرده‌اند. عدالت افقی در آموزش یعنی تعداد صندلی، کلاس، معلم و سایر امکانات آموزشی که هم شهر و هم روستا باید به نسبت جمعیت داشته باشند و عدالت عمودی اشاره به رفتار برابر با نابرابرها دارد. در این نوع عدالت تلاش می‌شود تا برای هر دانش‌آموز مطابق نیاز و شرایط او، خدمات و منابع آموزشی فراهم شود.

تامپسون، عدالت آموزشی را دربرگیرنده احیای رویکردهایی می‌داند که به نیازهای افرادی که از آموزش محروم شده‌اند پاسخ می‌دهد. ابتکار عدالت آموزشی در درست کارکردن برای توانمندسازی دانش‌آموزان آسیب‌پذیر و اولیای آن‌ها است به روشی که بی‌عدالتی آموزشی حذف می‌شود. یونسکو، همه محیط‌ها و نظام‌های آموزشی نقش خطیر خود را در آماده کردن کودکان برای ورود به جامعه و بازار کار پذیرفته‌اند و برای رسیدن به این هدف، مدارس نقش مهمی را در فراهم کردن فرصت‌های برابر و عادلانه آموزشی و آموزش مهارت‌ها دارند. فراهم کردن فرصت‌های برابر عادلانه آموزشی و دسترسی به آن، جزئی از عدالت آموزشی است. رسیدن به عدالت آموزشی برای تمام جوامعی که آموزش و پرورش را یک جزء مهم در زندگی افراد می‌دانند، امری اصلی به شمار می‌رود. از دیدگاه بریگه‌هاوس و آنترهالتر، عدالت آموزشی به معنای توزیع منابع و فرصت‌های آموزشی برای برآورده کردن نیازهای متفاوت دانش‌آموزان است. عدالت به معنای برابری نیست. وقتی نیازهای دانش‌آموزان متفاوت است پس باید منابع متفاوت اختصاص داده شود. همچنین دسترسی برابر به منابع (برنامه درسی، معلم، زمان یادگیری، ...) مفید نخواهد بود چون محرومیت از بعضی منابع را برای گروه‌های دیگر به دنبال دارد.

رشد، توانمندسازی و مهارت آموزی، ادامه تحصیل و حمایت مادی و معنوی دانش آموزان مناطق محروم و مرزی.

- **راهکار ۵/۵:** حداقل ۱۰ درصد و حداکثر ۲۰ درصد از برنامه آموزشی به معرفی حرفه ها، هنرها، جغرافیا، آیین و رسوم و نیازها و شرایط اقلیمی و جغرافیایی استانها به ویژه مناطق روستایی و عشایری با رعایت استانداردهای ارتقای کیفیت و تقویت هویت اسلامی- ایرانی دانش آموزان در چهارچوب ایجاد کارآمدی و تقویت هویت ملی.

- **راهکار ۵/۶:** طراحی و تدوین برنامه آموزشی متناسب با نیازها و نقشهای دختران و پسران.

- **راهکار ۵/۷:** طراحی و تدوین برنامه تعلیم و تربیت انعطاف پذیر، متناسب با ویژگی های شخصیتی و محیطی استعدادهای گوناگون دانش آموزان به منظور شکوفایی استعدادهای خاص و افزایش کارآمدی و مفید بودن آنها.

- **راهکار ۵/۸:** سازماندهی و به کارگیری بهینه و اثربخش منابع انسانی و توزیع عادلانه آن در سراسر کشور.

همانگونه که راهکارهای هشتگانه فوق نشان می دهد، تدوین کنندگان سند تحول، تأمین و بسط عدالت را بیش هر چیز متوجه رفع تبعیض مادی و معنوی میان مناطق محروم و مناطق برخوردار و توزیع عادلانه منابع و امکانات (راهکارهای ۵/۱ تا ۵/۵) و نیز توجه به نیازها و نقش های جنسیتی در کنار توجه به ویژگیهای شخصیتی دانش آموزان میدانند (راهکار ۵/۶ و ۵/۷). از نظر تدوین کنندگان سند در صورتی که منابع و امکانات به گونه ای عادلانه میان افراد و گروه های اجتماعی در مناطق گوناگون توزیع شود، و برنامه های آموزشی چنان طراحی و تدوین شوند که به نیازها و نقشهای جنسیتی دانش آموزان توجه گردد، عدالت آموزشی تأمین میشود. اما در اینجا پرسشهایی مطرح میشود که سند درباره آن ساکت است: آیا عدالت آموزشی رامیتوان تنها به این دو مقوله محدود ساخت؟ تا چه اندازه سند تحول توجه به هویت ملی-قومی را مجاز می شمرد؟ نیازها و نقش های دانش موزان دختر و پسر چگونه تعیین و تعریف میشوند؟ آیا میان نقشهای جنسیتی مورد نظر برای دختران و پسران با تحولات اجتماعی تناسب وجود دارد؟ همچنین میتوان پرسید سند تحول تا چه اندازه به آزادی

جایگاه عدالت آموزش در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

مسئله عدالت آموزشی از جمله ایده هایی است که در سند تحول نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰) به آن پرداخته شده است. واژه عدالت به طور انفرادی و یا با ترکیباتی، حدود چهارده بار در سند مذکور آمده است. در بخش بیانیه ارزش ها مربوط به فصل اول (ارزش های شماره ۱ و ۸، ۱۶)، فصل چهارم مربوط به بحث درباره هدف های کلان (هدف ۱، ۲، ۳) فصل پنجم مربوط به راهبردهای کلان (راهبرد کلان ۴) و در فصل ششم بحث مربوط به اهداف عملیاتی و راهکارها به واژه عدالت اشاره شده است. در فصل ششم زیر عنوان اهداف عملیاتی و راهکارها، هدف پنجم با عنوان «تأمین و بسط عدالت در برخورداری از فرصت های تعلیم و تربیت یا کیفیت مناسب با توجه به تفاوتها و ویژگیهای دختران و پسران و مناطق مختلف» به راهکارهای تحقق عدالت آموزشی اختصاص دارد. هدف عملیاتی فوق برای تحقق اهداف کلان ۳ و ۵ و ۷ بدین شرح بیان شده است:

♦ هدف شماره ۳: گسترش و تأمین همه جانبه عدالت آموزشی و تربیتی؛

♦ هدف شماره ۵: افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی به ویژه خانواده در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی

♦ هدف شماره ۷: ارتقای اثربخشی و افزایش کارایی در نظام تعلیم و تربیت عمومی

برای تحقق هدف عملیاتی سند، راهکارهای هشتگانه زیر پیشنهاد شده است:

- **راهکار ۵/۱:** تعمیم دوره پیش دبستانی به ویژه در مناطق محروم و نیازمند حتی الامکان با مشارکت بخش دولتی با تاکید بر آموزش های قرآنی و تربیت بدنی و اجتماعی.

- **راهکار ۵/۲:** برنامه ریزی و تمهید مقدمات برای پوشش کامل دوره آموزش عمومی و برخوردار از کیفیت مناسب در تمامی مناطق کشور.

- **راهکار ۵/۳:** توانمندسازی دانش آموزان ساکن در مناطق محروم، روستاها، حاشیه شهرها، عشایر کوچ نشین و هم چنین مناطق دوزبانه با نیازهای ویژه، با تاکید بر ایجاد فرصت های آموزشی متنوع و با کیفیت.

- **راهکار ۵/۴:** اولویت بخشی به تأمین و تخصیص منابع، تربیت نیروی انسانی کارآمد، تدوین برنامه برای

التعلیم ، محو بیسوادی، نفی تبعیض برای طبقات مختلف و... مدنظر است.

- منابعی که برای درونداد در اختیار نظام آموزشی قرار گرفته است؛ این منابع میتواند شامل هزینه سرانه، برنامه ها، متون و روشهای آموزشی، امکانات کمک آموزشی و ... باشد.
- عملکرد نظام آموزشی؛ عملکرد نظام آموزشی را میتوان همان تعهد نظام آموزشی به جامعه، تلقی کرد که در میزان گذر از یک دوره به دوره دیگر، اکت تحصیلی، بسندگی محتوا و متون آموزشی با نیاز فرد و جامعه، و... بروز می‌کند.

کالای عمومی و خصوصی

کالای عمومی، کالایی است که به طور اعتباری یا ذاتی، سهم هرکس از آن به قدرت خرید و تمایل او بستگی نداشته باشد؛ برعکس کالای خصوصی کالایی است که به طور اعتباری یا ذاتی، مقدار مصرف آن تابعی از قدرت خرید و اراده و تمایل مصرف کننده باشد .

کلمن نیز معتقد است که ایجاد امکان آموزش رایگان برای بچه ها بدون در نظر گرفتن سابقه خانوادگی، طبقه اجتماعی، قومی، نژادی و نیز جنس از ضروریات عدالت آموزشی است. از دیدگاه این دسته از نظریه پردازان، آموزش کالایی عمومی است؛ بنابراین آنان مخالف آموزش خصوصی و خواهان آموزش دولتی هستند. از دیدگاه آنان گسترش آموزش خصوصی موجب جذب امکانات آموزشی بهتر در مراکز خصوصی و اختلاف کیفیت خدمات آموزشی مراکز آموزشی خصوصی و دولتی و ایجاد تبعیض میشود. پارادایم انتقادی، تفسیر متفاوتی از آموزش و پرورش و رابطه آن با جامعه عرضه می‌کند. این پارادایم نیز همانند پارادایم کارکردگرایی ، معتقد است مدرسه رابطه نزدیکی با جامعه دارد؛ ولی بر این باور است که مدرسه بیشتر با تقاضاهای نخبگان جامعه رابطه دارد تا با نیازهای کل آن . این پارادایم؛ مدرسه را عاملی میدانند که در جهت منافع نخبگان عمل می‌کند، نابرابریهای موجود را تقویت می‌کند و نگرش خاصی در افراد به وجود می‌آورد تا وضع موجود خود را پذیرا باشند . پییر بورديو معتقد است منبع نابرابری در جامعه بیشتر ماهیت فرهنگی دارد تا اقتصادی و فاصله بین فرهنگ مدرسه و خاستگاه اجتماعی-اقتصادی کودک، عامل مهمی در تعیین موفقیت کودک در نظام آموزشی محسوب میشود.

های فردی دانش آموزان، تنوع و تکثر فرهنگی آنها توجه نموده است؟ با نگاهی اجمالی به سند به نظر میرسد که تدوین کنندگان آن، بیش از آنکه دغدغه توجه و شناخت نیازهای واقعی و متنوع دانش آموزان و در نتیجه امکان بروز و ظهور آزادانه آنها را داشته باشند، دغدغه ای نیازها و ایدئولوژیک و سیاسی دارند. از این روست که سند مذکور، استعدادهای دانش آموزان را از دریچه ای محدود و بر اساس تصویری از پیش تعیین شده تفسیر و تعیین میکند. برای تبیین چنین نگرشی نیازمند آن هستیم تا به تحلیل بنیادی ترسند تحول بپردازیم. در ادامه میکوشیم تا به این پرسش پاسخ گوئیم که سند تحول بر اساس کدام رویکرد از رویکردهای ششگانه عدالت، تدوین شده است؛ زیرا مشخص کردن رویکرد بنیادی سند تحول، زمینه مناسبی را برای تحلیل و نیز پاسخ گوئی به پرسش های فوق فراهم می آورد. بدون تردید، آموزش و پرورش مهارت های شناختی را به کودک می آموزد و توانایی تفکر را رشد میدهد، ولی روشن نیست که آیا این مهارت ها میتوانند رابطه میان آموزش و پرورش، موقعیت شغلی و درآمد فرد را تبیین کند؟ در این باره دو پارادایم وجود دارد: پارادایم کارکردگرایی و پارادایم انتقادی. پارادایم کارکردگرایی مدرسه را سازوکاری موثر برای تمایز و تخصیص افراد مستعد و ابزاری برای ایجاد مهارت های شناختی میدانند. برای نمونه گاسلین سه کارکرد اساسی برای آموزش و پرورش قائل است: حفظ و انتقال فرهنگ، نوآوری، اکتشاف و انتقال دانش جدید و تخصیص افراد به موقعیتهای مختلف در جامعه تأکید می‌کند. براساس این پارادایم برخی نظریه پردازان کارکرد آموزش و پرورش را موجب تحرک اجتماعی و تحقق بخش عدالت اجتماعی میدانند؛ آنان تأکید دارند که عدالت آموزشی از مهمترین مطالباتی است که ذیل عدالت اجتماعی شمرده میشود. از این جمله هایمن طبق یافته های بسیاری از تحقیقات، عدالت آموزشی متغیری بسیار مهم در موفقیت و پیشرفت دانش آموزان در کشورهای در حال توسعه و فقیر است؛ هرچند زمینه اجتماعی-اقتصادی هم نقش درخوری دارد.

عدالت آموزشی را برابری در برخورداری از شرایط

ذیل دانسته اند :

- از نقطه نظر دسترسی یا برخورداری آموزشی؛ در این زمینه نسبت ثبت نام کنندگان به کل جمعیت لازم

و همهٔ آحاد انسانی حق دارند از آموزش و پرورش یکسان برخوردار گردند. عدالت آموزشی، بنیان فکری یک جامعه است که زمینه برخورداری تمامی افراد یک جامعه را از همه امکانات در راستای ایجاد برابری آموزشی، فراهم می‌آورد. عدم وجود عدالت آموزشی در یک سطح جامعه و در راس آن در نظام تعلیم و تربیت آن ملت، سرعت رشد و پیشرفت تمدن بشری را کم کرده و سبب گسترش تضاد طبقاتی در سطح جامعه می‌گردد. از شاخص‌های مهم عدالت محوری، فراهم شدن امکان رشد و اعتدال آموزشی برای همه مردم صرف‌نظر از جنس، نژاد، طبقه، قومیت و رنگ است. در واقع عدالت آموزشی به ایجاد فرصت‌های برابر، متناسب با نیازهای ویژه هر فرد اشاره دارد؛ زیرا افراد در دانش، مهارت، توانایی، انواع یادگیری و پیشینه فرهنگی و نیازهای آموزشی شان باهم متفاوت اند. منظور از فرصت برابر جلوگیری، حذف، یا کاهش تبعیض بین افراد از لحاظ جنسیت، نژاد، وضعیت جسمانی، سنی، زبانی، طبقه اجتماعی است. بنابراین نتیجه این شد که آموزش و پرورش آن قاعده‌ی اساسی، (به قول معمارها و بناها) آن فونداسیون اساسی برای بنای رفیعی است که ما می‌خواهیم برای آینده‌ی کشورمان داشته باشیم. این یک واقعیتی است که ما را ده‌ها سال عقب نگه داشته‌اند و این ده‌ها سال، تصادفاً در دوران شکوفایی و پیشرفت علمی بوده است. ما بدون اینکه خودمان بخواهیم و اراده‌ی داشته باشیم، ده‌ها سال، از اواخر دوران قاجار تا تمام دوران پهلوی، ما را عقب نگه داشتند؛ این یک واقعیت تلخ است. ما امروز باید عرق بریزیم، تلاش کنیم و همه‌ی توانمان را مصرف کنیم تا این فاصله را تا آن جایی که ممکن است، کم کنیم و در راستای تحول و تعالی نظام جمهوری اسلامی ایران در تمامی ابعاد و جنبه‌ها گام برداریم.

منابع

۱. معین، محمد. (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیرکبیر، ص ۲۲۷۹.
۲. زارعی متین، حسین. حمیدیان، مریم (۱۳۹۲)، بررسی عدالت و ابعاد آن در دین و سازمان‌ها، کنگره پیشگامان پیشرفت.
۳. فرهنگ لانگمن، ۲۰۰۰، (۱۹۷۸)، انتشارات لانگمن، ص ۷۶۷.
۴. واعظی، احمد. (۱۳۹۸) مطهری و عدالت، بازخوانی مطهری پس از چهل سال (۲)، انتشارات ندای فطرت.

به باور وی بازتولید فرهنگی ناشی از آموزش و پرورش یکی از مهمترین راه‌هایی است که از آن طریق، ساختار طبقاتی بازتولید میشود و به بیان دیگر، بازتولید اجتماعی از طریق نهادهای آموزشی صورت میگیرد؛ به همین جهت او معتقد است که نظام آموزشی بهترین راه حلی است که تاریخ برای انتقال قدرت پیدا کرده است.

در پایان، اگر بخواهیم از قافله‌ی حرکت جهانی عقب نمانیم؛ چه برسد به اینکه بخواهیم نقش تعیین‌کننده، پیش‌رونده و پیش‌برنده ایفا کنیم؛ چاره‌ای نداریم جز اینکه یک نگاه بنیانی و اساسی به آموزش و پرورش بیندازیم. در زمینه‌ی عدالت و بطور خاص عدالت آموزشی هم همین مسئله وجود دارد و نیازمند تأمل و تفکر عمیق و کارآمد است. اگر ما در مدیریت آموزش و پرورش به مسئله‌ی عدالت توجه کنیم، نتیجه این خواهد شد که در آینده‌ی کشور، عدالت نسبی بین قشرها و مناطق کشور برقرار خواهد شد. اگر ما امروز در آموزش و پرورش نگاه عدالت محور نداشته باشیم، نتیجه این خواهد شد که اختلاف طبقاتی در آینده‌ی کشور روزه‌روز بیشتر خواهد شد؛ تأثیرات آموزش و پرورش در وضع موجود و مطلوب یک ملت بسیار شگرف و خطیر است! نگاه غیر عدالت‌محور، این است که ما در کشور مدارس پیشرفته‌ی مجهز به بهترین تجهیزات در یک جاهایی، و مدارس محروم و کم برخوردار در یک مناطق دیگر داشته باشیم؛ معلم ممتاز برجسته برای تعدادی از مدارس، و معلمان خسته یا کم‌سواد برای تعداد دیگری از مدارس داشته باشیم. این درست ضد نگاه عدالت‌محور است. نتیجه این اتفاق چه خواهد شد؟ نتیجه اینکه: جمعی از کودکان امروز ما بدون هیچ دلیلی (جز اینکه یا پول دارند یا در یک منطقه‌ی برخوردار زندگی میکنند) از عالی‌ترین تحصیلات برخوردار خواهند شد و یک عده‌ی دیگر در سطوح بسیار پایینی خواهند ماند، پیش نخواهند رفت و استعدادهایشان رشد نخواهد کرد. البته عدالت به معنای این نیست که ما با همه‌ی استعدادها با یک شیوه برخورد کنیم؛ زیرا که استعدادها مختلف است؛ نباید بگذاریم استعدادی ضایع بشود و برای پرورش استعدادها بایستی تدبیر بیندیشیم؛ در ملاک، باید استعدادها باشد و لا غیر؛ این خود یک نمونه از عدالت است. در واقع یکی از مؤثرترین راه‌های تحقق عدالت آموزشی در سطح جامعه، تامین فرصت‌های یکسان برای دسترسی عموم افراد جامعه به آموزش و پرورش است

www.jordancapatano.us.ir.
http://er.aera.net.

19. Thompson, R. (2013). A Rawlsian Instrument for the Evaluation of Justice in Educational Philosophy (Thesis of doctoral). Clemson University
20. Brighouse H., & Unterhalter, E. (2010). Education for primary goods or for capabilities?, In: Brighouse, H. and Robeyns, I. (Eds.). measuring justice : Primary Goods and Capabilities. Cambridge, Cambridge University Press, 193-214.

نویسندگان: مبین بابایی، میهن اوستا



صاحب امتیاز:

جمعیت فرهنگیان جوان

مدیر مسئول:

علی فلاحتکار

سر دبیر:

امیرحسین سلطانی

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

میهن اوستا ، امیرحسین باباجانی پور

مبین بابایی ، محمد باقری دادوکلایی

علی مهدوی فرد

گرافیک و صفحه‌آرایی:

امیرمحمد شیرخدا ، سجاد رئیسی

۵. سیدرضی، شریف. (۱۳۸۴)، نهج البلاغه .
۶. واعظی ، احمد . (۱۳۹۸) مطهری و عدالت ، بازخوانی مطهری پس از چهل سال (۲) ، انتشارات ندای فطرت .
۷. معمار ، ثریا . (۱۳۹۳) ، تحلیل جامعه‌شناختی مفهوم عدالت از دیدگاه حضرت علی (ع) ؛ مقاله پژوهشی، فصلنامه شیعه شناسی.
۸. واعظی ، احمد . (۱۳۹۸) مطهری و عدالت ، بازخوانی مطهری پس از چهل سال (۲) ، انتشارات ندای فطرت .
۹. صدیقی ، پیغام (۱۳۹۱) عدالت اجتماعی و ابعاد آن ، پژوهش های تاریخی ، سیاسی و جامعه شناختی .
۱۰. صفارحیدری، حجت، حسین نژاد، رزا. (۱۳۹۳). رویکردهای عدالت آموزشی (نگاهی به جایگاه عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران)، (پژوهش نامه میانی تعلیم و تربیت)
۱۱. شارعیپور، محمود. (۱۳۸۶) جامعه شناسی آموزش و پرورش. (چ ۳). تهران: سمت.
۱۲. حسینی، سیدحسن (آبان ۱۳۸۹) مسئله برابری در آموزش و پرورش «آیین، ش ۳۳ و ۳۲، صص ۱۷-۲۲.
۱۳. سرخ جعفر، اسماعیل. (پاییز ۱۳۸۶) ، نابرابریهای آموزشی و نابرابری های فضایی در بعد قومی و منطقه ای مطالعه موردی دوره ابتدایی استان آذربایجان غربی در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰) فصلنامه تعلیم و تربیت، د ۲۳، ش ۳) مسلسل ۹۱، صص ۱۲۴-۱۰۳.
۱۴. حاضری، علیمحمد، (پاییز ۱۳۷۹) تأملی در علل و پیامدهای انقلاب فرهنگی «متین، ش ۸، صص ۸۱-۱۰۶»
15. Yamani, N., Shaterjalali, M., & Eghbali, B. (2017). Educational justice from the perspective of postgraduate students in a medical school in Iran: qualitative study. Reserch and Development in medical Education (RDME), 6(1), 23-28
16. Levin, H. M. (2009). The economic payoff to investing in educational justice. Educational Researcher, 38(1), 20-5.
17. Renani, M. P. (2015). Development Means Justice in Human-Oriented Education, Welfare Policymaker, East Economic Annex, Tehran: December 17-18. [In Persian]
18. Capatano, J. (2017). The challenges of equity in public education.